یادداشت

حسین فصیحی

آتش‌های زیر خاکستر

در چند هفته گذشته حوادث ناگواری در کشور رقم خورد که پیامدهای آن جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. آخرین حادثه، ریزش برج متروپل آبادان بود. با وجود اینکه ۱۵ روز از وقوع حادثه گذشته، هنوز آوار برداری در متروپل ادامه دارد. تا این جای کار مرگ ۴۱ نفر تأیید شده و خسارت مالی کلانی هم بر جای مانده است. آوار شدن ساختمان متروپل فساد روی داده برای بنا شدن ساختمان را به خوبی عیان کرد و نشان داد به معجزه پول می توان ساختارهای قانونی را به خدمت گرفت. سال‌هاست که فساد روی داده در جریان حادثه متروپل در ساختار شهری نهادینه شده و توانسته به حیات خود ادامه دهد و مشخص هم نیست با وجود این حادثه بشود مانع شیوع آن شد. عمل نکردن مجریان قانون به وظایف و اختیارات قانونی‌شان عمده‌ترین دلیل موفقیت متخلفان است.

حادثه هولناک دیگر ششم و هفتم خرداد ماه اتفاق افتاد. عامل حادثه مردی ۲۴ ساله اهل یکی از روستاهای شهرستان شهریار بود. ششم خردادماه وقتی متوجه شد یکی از سازمان‌های دولتی قصد تصاحب باغشان را دارد، دست به اسلحه برد و پنج نگهبانی را که از سوی آن سازمان برای زمین گماشته شده بود، به قتل رساند و یک نفر را هم زخمی کرد و به تهران گریخت. متهم یک روز بعد در خیابان طالقانی تهران به سمت مأموران پلیس تیراندازی کرد که در جریان آن چهار مأمور زخمی شدند و متهم سرانجام بازداشت شد. پرونده حادثه هنوز در مراحل اولیه بررسی قرار دارد با این حال بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد تلاش متهم برای رسیدن به حق قانونی‌اش ثمری نداشته و سرانجام دست به اسلحه برده و حادثه خونین را رقم زده‌است. متهم در اولین گفت‌وگو به خبرنگار ما گفت که قصد کشتن نگهبان‌ها را نداشته و آن روز به دنبال مدیر سازمان می‌گشته تا او را تهدید کند که حادثه این گونه رقم خورده است.

حادثه ناگوار دیگر تیراندازی در سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان ایلام بود که صبح چهارشنبه، ۲۸ اردیبهشت اتفاق افتاد. عامل حادثه که کارمند اخراجی سازمان بود با شلیک گلوله و انفجار نارنجک چهار نفر را به قتل رساند و هفت نفر را مجروح و روانه بیمارستان کرد. او وقتی متوجه شده بود که مدیر سازمان قصد اخراج وی را دارد در جریان انتقام کور این حادثه خونین را رقم زد.

این حوادث و حوادث ناگوارتری که در آینده اتفاق می‌افتد به دلیل بی‌توجهی به پیامدهایی است که مدام در حال رقم خوردن است. تجربه نشان داده‌است که بسیاری از افراد وقتی برای احقاق حق خود با بن‌بست مواجه می‌شوند، دست به رفتارهای پرخطری می‌زنند که پیامد آن دیگر قابل جبران نیست. بسته شدن این پرونده‌ها بدون بررسی و در نظر گرفتن راهکارهای عملی برای پیشگیری از وقوع آتش زیر خاکستری خواهد بود که هر لحظه امکان شعله‌ور شدنش وجود دارد.

درخواست قصاص برای عامل قتل‌های شهریار

باغدار جوان که متهم است به خاطر اختلاف ملکی چهار نگهبان زمین را در شهریار به قتل رسانده و چهار مأمور پلیس را در تهران زخمی کرده‌است، با درخواست قصاص اولیای دم روبه‌رو شد.

به گزارش جوان، ساعت هفت صبح جمعه ششم خردادماه به مأموران پلیس شهریار خبر رسید شش نگهبان زمین باغی در اطراف روستای بالابان با شلیک گلوله زخمی شده‌اند.

وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند، دریافتند در این حادثه که از سوی پسر ۲۴ ساله‌ای به خاطر اختلاف ملکی رخ داده‌است، شش نگهبان داخل کیوسک نگهبانی هدف گلوله قرار گرفته‌اند که چهار نفر از آنها در دم جان باخته و دو نفر دیگر برای مداوا به بیمارستان منتقل شدند که یکی از مجروحان هم در بیمارستان فوت شد. در حالی که بررسی‌ها جریان داشت، روز شنبه هفتم خرداد گزارش تیراندازی به سوی پلیس در خیابان طالقانی تهران منجر به زخمی شدن چهار مأمور شده‌بود، به قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع داده شد. بدین ترتیب بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم راهی محل شدند که دریافتند عامل تیراندازی که از سوی مأموران دستگیر شده‌است، همان قاتل تحت تعقیب است که روز قبل حادثه خونین شهریار را رقم زده است. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه صبح دیروز اولیای دم چهار مقتول به دادسرای امور جنایی تهران رفتند و برای قاتل درخواست قصاص کردند.

یکی از اولیای دم که در این حادثه پدر و برادر ورزشکارش را از دست داده‌بود، گفت: «من در این حادثه پدرم و برادر ورزشکارم را که قبلاً دروازه‌بان تیم ملی هندبال بود، از دست دادم. من خودم در این شرکت کار می‌کردم و برادر ورزشکارم که بیکار بود، برای کار معرفی کردم او هم به عنوان نگهبان شروع به کار کرد. مدتی بود به خاطر حادثه‌ای که برای پایم پیش آمده بود به محل کار نمی‌رفتم تا اینکه روز حادثه تلفنی فهمیدم برادر و پدرم به قتل رسیده‌اند و الان به دادسرا آمدم تا برای قاتل درخواست قصاص کنم.» تحقیقات درباره این حادثه به دستور قاضی ساسان غلامی از سوی مأموران ادامه دارد.

قاتل همسر قصاص شد

مرد جوانی که از پنج‌سال قبل به اتهام قتل همسرش بازداشت شده بود، در زندان رجایی‌شهر کرج قصاص شد.

به گزارش جوان، شامگاه آخرین روز سال ۱۳۹۶ مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو از حادثه خونینی در یکی از آپارتمان‌های خیابان نامجو با خبر و راهی محل شدند.

مأموران پلیس وقتی به محل حادثه رسیدند، دیدند مادر و دختری غرق در خون روی زمین افتاده‌اند که در همان بررسی‌های اولیه مشخص شد، زن جوان بر اثر اصابت ضربه‌های چاقو در دم به قتل رسیده، اما مادرش هنوز زنده است.

همزمان با انتقال پیکر زن میانسال به بیمارستان تحقیقات نشان داد عامل حادثه خونین همسر مقتول است که پس از حادثه از محل گریخته است. بدین ترتیب تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت تا اینکه روز اول فروردین سال ۹۷ قاتل خودش را به پلیس معرفی و به قتل اعتراف کرد.

متهم گفت: «دو پسر ۱۹ و ۱۶ ساله و یک دختر خردسال دارم. از مدتی قبل با همسرم اختلاف داشتم و او همیشه از خانه قهر می‌کرد و به خانه مادرش می‌رفت. شب حادثه به خانه مادر زنم رفتم تا او را به خانه بیاورم که با هم درگیر شدیم و این اتفاق رخ داد.»

متهم پس از تحقیقات تکمیلی در دادگاه محاکمه شد و دو پسر وی درخواست قصاص کردند، اما دخترش او را بخشید.

پس از تأیید رأی دادگاه در دیوان عالی کشور پرونده متهم برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد تا اینکه مدتی قبل دو پسر مقتول تفاضل دیه را پرداخت و چند روز قبل پدرشان را قصاص کردند.

با بخشش اعضای پدر، به آرامش رسیدیم

■ محبوبه قربانی

هاشم قربانی تپه، اهل اردبیل و برادر دو شهید بود. او در سن ۶۱ سالگی بر اثر نارسایی قلبی دچار مرگ مغزی شد. هاشم در یکی از بیمارستان‌های شهر اردبیل بستری شد، اما چند روز بعد به کما رفت. وقتی پزشکان به خانواده هاشم خبر دادند او به مرگ مغزی مبتلا شده است دو دختر، خواهر و برادران هاشم پیشنهاد اهدای عضو را مطرح کردند، چراکه باور داشتند هاشم هم از این کار رضایت داشت. برای شناخت بیشتر با یکی از دختران او به گفت و گو نشستیم.

شغل پدر چه بود؟

شغلش آزاد بود و ساخت و ساز ساختمان انجام می‌داد.

چند سال بود که بیماری قلبی داشت؟

یکسال قبل از فوتش دو رگ قلبش گرفته بود و باید عمل می‌کرد. هر بار درباره این موضوع صحبت می‌کردیم قانع نمی‌شد و امروز و فردا می‌کرد. همین باعث شد او سکته مغزی کند و دچار مرگ مغزی شود.

گویا قبل از پیشنهاد پزشکان، خودتان پیشنهاد اهدا عضو دادید. چطور تصمیم به این سختی گرفتید؟

پدرم خیلی آدم مهربان و دست به خیری بود. عاشق بخشش بود و از این کار لذت می‌برد. وقتی هم چیزی می‌بخشید معتقد بود با خدا معامله کرده و نباید هیچ توقعی داشت. همین حسن اخلاق او باعث شد قبل از اینکه سطح هشیاری‌اش پایین بیاید چنین پیشنهادی را به پزشکان بدهیم.

گفتید پدر دست به خیر بود. از او چه خاطره‌ای دارید؟

بعد از فوت پدرم تلفن او دست یکی از اقوام بود. در مراسم ختم بودیم که زنگ خورد. مردی که تماس گرفته بود، سراغ پدرم را می‌گرفت. او وقتی فهمید چنین اتفاقی افتاده است خیلی ناراحت شد و گریه‌کنان گفت «زنگ زده‌بودم از آقای قربانی تشکر کنم.» علت را پرسیدیم که گفت «حاجی ما را به آرزوی‌مان رساند.» گویا چند سالی او و همسرش آرزوی رفتن به مشهد را داشتند، اما پرداخت هزینه سفر برایشان سخت بود. پدرم وقتی این موضوع را فهمیده بود، هزینه سفر آنها را پرداخت کرده بود. زوج جوان آن روز برای خداحافظی زنگ زده بودند که فهمیدند پدرم فوت کرده است.

هنگام اهدا عضو کسی همراهش بود؟

بله، وقتی به بیمارستان امام خمینی منتقل شد خواهرزاده‌اش همراهش بود.

از حالات خاص آن لحظه خیلی تعریف کرد. پدرم عاشق اهل بیت بود. او می‌گفت وقتی پدرم از اتاق عمل بیرون آمد لبانش خندان بود. بعد از فوت هم چند بار خواب او را دیده بودند که روی سنگ مزارش شهید نوشته شده است. باور کنید این کار اجری مثل اجر شهید را دارد.

کدام اعضای بدن اهدا شد؟

قلب و کبد

حال این روزهای شما چگونه است؟

دوری پدری مثل او، خیلی سخت است. او همیشه خندان بود و هر وقت دور هم جمع بودیم می‌گفت باید بخندید و شاد باشید. غصه مشکلات را نخورید و توکلتان به خدا باشد. به همین خاطر روزهای سختی می‌گذرانیم، اما تصمیمی که گرفتیم مایه آرامش این روزهای جدایی است و غم فراقش را تسکین می‌دهد.

پدرتان چند برادر داشت؟

شش برادر بودند که دو تا از برادرانش در جنگ شهید شدند و یکی از برادرانش نیز در حادثه تصادف فوت کرد.

پدربزرگ و مادربزرگتان هم زنده هستند؟ آنها هم راضی به این کار بودند؟

خیر، آنها در قید حیات نیستند. ولی اگر بودند حتماً راضی بودند، چراکه این روحیه در خاندان پدری‌ام موروثی است. پدربزرگم نیز همین‌طور بخشنده بود. همان‌طور که گفتم یکی از عموهایم چند سال قبل با دوچرخه تصادف کرد و فوت شد. آن روز پدربزرگم خودش را بر بالین او رساند و سرش را روی پایش گذاشت. عمویم چند نفس کشید و بعد فوت کرد. هنوز سر عمویم روی پای پدربزرگم بود که به اطرافیان گفت «تا موقعی که پسرم در بغلم هست به راننده مقصر بگویید برود. من او را بخشیدم و هیچ چیزی از او نمی‌خواهم.» راننده با این کار پدربزرگم خیلی شرمنده شد به همین خاطر در مراسم عمویم شرکت کرد و به اطرافیان گفته بود پول آورده تا دیه عمویم را بپردازد. پدربزرگم وقتی این موضوع را شنید گفت «اجازه ندید تحقیر شوم. من بدون هیچ توقعی بخشیدم.»

حرف آخر

من خیلی به نقاشی علاقه‌مند بودم. پدرم در روزهای آخر عمرش این آرزو را برایم برآورده کرد. او مرا به کلاس نقاشی فرستاد و هنوز در حال گذراندن کلاس بودم که پدرم رفت. حالا تصمیم گرفته‌ام عکس او را روی بوم نقاشی کنم تا در مراسم چهلم زینت مجلس باشد. این گونه آرزویم به عکس پدر گره خورد.

مرد بدگمان به مرگ محکوم شد

مرد بدگمان که به اتهام قتل همسرش بازداشت شده‌است، محاکمه و به قصاص محکوم شد.

به گزارش جوان، ۱۴ دی سال ۹۹ مأموران پلیس ورامین از قتل زنی به نام سعیده در خانه‌اش باخبر و راهی محل شدند. خواهر سعیده گفت: «خواهرم و شوهرش میلاد سه‌سال قبل با هم ازدواج کردند. آنها صاحب یک دختر دو ساله بودند، اما با هم اختلاف داشتند و چند بار با هم درگیر شده بودند. امروز در خانه مشغول کار بودم که مادرم تماس گرفت و گفت مادر شوهر سعیده با او تماس گرفته و گفته است سعیده و میلاد با هم درگیر شده‌اند، اما میلاد خانه را ترک کرده و در خیابان تصادف کرده است. مادرم گفت که نگران سعیده است و خواست به خانه خواهرم بروم و از او خبری بگیرم.» وی ادامه داد: «وقتی مقابل خانه خواهرم رسیدم هر چه در زدم کسی در را باز نکرد. از نگرانی همسایه‌ها را خبر کردم و سپس با کمک آنها در را باز کردیم. با دیدن جسد خواهرم شوکه شدم. او خونین روی زمین آشپزخانه افتاده بود و همه جا به هم ریخته بود.»

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، شوهر آن زن به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت، ولی معلوم شد او عصر همان روز در یکی از بیمارستان‌های شرق تهران به بهانه تصادف رانندگی بستری شده است. آن مرد بعد از ترخیص و بهبود نسبی به قتل همسرش اعتراف کرد و در روند بازجویی‌ها گفت: «من همسرم را دوست داشتم، اما بعد از به دنیا آمدن دخترم رفتارهای او تغییر کرد و بعد هم متوجه شدم عکس‌های بی‌حجابش در فضای مجازی منتشر شده است. این موضوع خیلی مرا عصبانی کرد و کار به درگیری کشید. بعد از آن درگیری دخترم را به خانه مادرم بردم و بعد از چند روز با سعیده آشتی کردم.»

متهم در خصوص قتل همسرش گفت: «آخرین بار من و سعیده در خانه تنها بودیم. نیمه‌های شب بود که حشیش مصرف کردم و در حال استراحت بودم که متوجه شدم سعیده با یکی از دوستانش تلفنی صحبت می‌کند. عصبانی شدم و با او درگیر شدم. در آن درگیری سعیده یک لیوان به طرفم پرتاب کرد. همان موقع کنترل اعصابم را از دست دادم و با چاقو و هاون چند ضربه به سر و صورتش زدم. او روی زمین افتاده بود که دستانم را روی گردنش فشار دادم. دچار جنون شده بودم و کنترلی روی رفتارم نداشتم. وقتی فهمیدم همسرم مرده است خودزنی کردم، اما به خاطر فرزندم بلافاصله به بیمارستان رفتم و به دروغ گفتم تصادف کرده‌ام.»

با ثبت این توضیحات متهم راهی زندان شد و پرونده در اولین جلسه محاکمه روی میز هیئت قضایی شعبه یازدهم دادگاه قرار گرفت.

ابتدای جلسه مادر مقتول در حالی که به شدت اشک می‌ریخت، گفت: «دخترم بار آخر که با شوهرش درگیر شد، قهر کرد و به خانه ما آمد. من با او صحبت کردم و خواستم به زندگی‌اش برگردد، اما فکر نمی‌کردم دامادم چنین جنایتی را مرتکب شود. برای او در خواست قصاص دارم.»

در ادامه متهم به جایگاه رفت و در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «باور کنید عاشق همسرم بودم و راضی به مرگش نبودم، اما او با انتشار عکس‌هایش در فضای مجازی مرا آزار داد و سرانجام کار به اینجا رسید. شرمنده خانواده همسرم هستم و از آنها تقاضای بخشش دارم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد و با توجه به مدارک موجود در پرونده، متهم را به قصاص و پرداخت دیه محکوم کرد.

سرقت از صندوق امانات بانک در تعطیلات

تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت برای بازداشت سارقان حرفه‌ای که به صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشگاه تهران دستبرد زده‌اند، جریان دارد.

به گزارش جوان، صبح روز گذشته وقتی کارکنان بانک ملی شعبه ممتاز دانشگاه تهران وارد محل کارشان شدند، متوجه شدند سارقان به بخش صندوق امانات دستبرده زده و پس از خالی کردن بیش از ۱۰۰ صندوق گریخته‌اند. با حضور مأموران پلیس مشخص شد سارقان به صورت حرفه‌ای عمل کرده و با محل آشنایی کامل داشته‌اند. آنها بعد از زیرنظر گرفتن بانک، در تعطیلات چند روز گذشته نقشه خود را عملی کرده‌اند. سارقان از در پارکینگ وارد شده و خودشان را به اتاق مانیتورینگ در طبقه سوم رسانده و پس از اینکه آژیرهای خطر را از مدار خارج می‌کنند، همه دوربین‌ها و هارددهای مورد نظر را هم سرقت کرده و سپس محتویات صندوق‌های امانات را هم سرقت می‌کنند. تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران برای بازداشت سارقان در جریان است.

روابط عمومی بانک ملی در واکنش به این خبر با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «حادثه منجر به بروز برخی خسارات محدود به صندوق امانات شده است که از سوی پلیس در حال پیگیری است. براساس این اطلاعیه بانک ملی در چارچوب مقررات قانونی در حال پیگیری خسارات وارده بوده و فعالیت شعبه دانشگاه هم طبق روال سابق ادامه دارد.»

ادعای قتل پدر بررسی می‌شود

تحقیقات درباره دختر معتادی که مدعی است پدرش را دو سال قبل در شهر زنجان به قتل رسانده و جسدش را آتش زده است، از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

به گزارش جوان، روز شنبه ۱۴ خرداد زن جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و ادعا کرد پدرش را دو سال قبل در شهر زنجان به قتل رسانده‌است.

وی در توضیح ماجرا گفت: «دوران کودکی و جوانی همراه پدر و مادرم در شهر زنجان زندگی می‌کردم. پدرم معتاد به مواد مخدر بود، اما مادرم همیشه مواظبم بود تا اینکه مادرم فوت کرد و از آن روز به بعد زندگی من رو به سیاهی رفت. افراد خلافکار زیادی به خاطر اعتیاد پدرم به خانه ما رفت و آمد داشتند. پدرم نه تنها از من حمایت نمی‌کرد، بلکه مرا معتاد به مواد مخدر هم کرد. من کینه زیادی از پدرم به دل گرفتم تا اینکه حدود دو سال قبل او را به قتل رساندم و جسدش را در بیابان‌های اطراف شهرمان آتش زده و دفن کردم. به همه بستگان گفتم که پدرم گمشده است و بعد هم خودم به کمپ رفتم و اعتیادم را ترک کردم و در ادامه هم برای زندگی به تهران آمدم. از آن روز به بعد من عذاب وجدان گرفتم تا اینکه امروز تصمیم گرفتم به اداره پلیس بیایم و به قتل پدرم اعتراف کنم.»

پس از طرح این ادعا مأموران پلیس به دستور قاضی محمد حسین زارعی، بازپرس دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات خود را درباره این ادعا آغاز و برادر ناتنی وی را شناسایی کردند.

■ **خواهرم توهم دارد**

برادر ناتنی متهم در تحقیقات پلیسی گفت: «پس از فوت مادرم که کارمند بیمارستان بود، پدرم با زن جوانی ازدواج کرد و خواهر ناتنی‌ام به دنیا آمد. آن زمان من خانه‌مان را ترک کردم و برای کار به شهر دیگری رفتم و در آنجا ازدواج کرده و تا سال ۹۶ که مراسم خاکسپاری نامادری‌ام در تهران بود، از خانواده‌ام خبری نداشتم و در آنجا خواهر ناتنی‌ام را دیدم. دومین بار سال ۹۷ پدرم همراه خواهر ناتنی‌ام و مرد جوانی که شوهرش بود به خانه من آمدند و بعد از آن هم فهمیدم پدرم برای سومین بار ازدواج کرده است و اسفندسال گذشته هم همراه همسر سومش به خانه من آمد.» وی ادامه داد: «به من خبر رسیده بود که پدرم خواهر ناتنی‌ام را معتاد به مواد مخدر کرده است و می‌دانستم او از پدرم کینه به دل دارد و الان هم احتمال می‌دهم او در توهم شیشه این ادعا را مطرح کرده است و من می‌دانم پدرم زنده است.»

در حالی که متهم برای مشخص شدن صحت سلامتی و روحی‌اش در اختیار متخصصان پزشکی قانونی قرار گرفته است، قاضی زارعی با صدور قرار عدم صلاحیت، دستور داد متهم همراه پرونده‌اش برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی شهر زنجان قرار گیرد.

مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی موتورسیکلت سیستم تیز تاز تیپ cc۱۲۵ به شماره موتور A۸۶۷۶۰۳ و شماره تنه N۱J***۱۲۵T۸۶۰۱۵۶۶ و شماره پلاک ۷۶۷۸۹ ایران ۵۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان

مفقودی

سند کمپانی، برگ سبز و کارت ماشین کامیونت ون شخصی نیسان تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۰ به رنگ آبی - روغنی به شماره موتور ۰۰۱۶۴۷۸۶، شماره شاسی ۰۰C۶۴۹۶۱ و شماره انتظامی ایران ۵۷۱/۳۵ص ۱۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

مفقودی

برگ سبز خودرو مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی nj۲۶۹۳۶۹ و شماره موتور ۱۶۷B۰۱۴۹۷۸۴ و پلاک ایران ۱۵-۷۹۴ج ۳۴ به نام اکبر سامی‌مهربان با کدملی ۶۰۲۹۵۸۰۶۴۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز

مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت به رنگ مشکی به شماره موتور ۱۶۳FML۲۴۶۸۱ و شماره تنه N۲G***۲۰۰B۹۰۱۰۳۵۳ به شماره انتظامی ۳۷۵/۶۷۹۹۶ به نام صادق آقازاده اصل حمید مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

گواهینامه موقت پایان تحصیلات دوره کاردانی پیوسته اینجانب اسدالله مرادی فرزند یدالله به شماره شناسنامه / ملی ۴۵۶۰۰۰۹۰۲۳ صادره از سمنان در مقطع کاردانی پیوسته رشته ساختمان - کارهای عمومی ساختمان صادره از واحد دانشگاهی آزاد سمنان - مرکز شهمیرزاد با شماره ۲۰۸۹۵۶۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به نشانی سمنان، کیلومتر ۵ جاده سمنان - دامغان، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان ارسال نماید.

مفقودی

سند مالکیت آپارتمان مسکونی به متراژ ۹۲.۸۵ استان مازندران شهرستان بهشهر بخش ثبتی هفده به کدپستی ۴۸۵۱۶۳۸۶۳۴ به نام موسی قزل به شماره شناسنامه ۴۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آرای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض آقای خانم ۱- زهرا جامی به‌شناسنامه ۱۰۱۶ کدملی ۳۶۷۳۳۲۲۰۲۸ صادره از زابل فرزند حسین متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۹۳۰ ۱ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به‌مساحت ۲۵۴,۹۷ مترمربع قسمتی از پلاک از ۸۹ اصلی واقع در اراضی خرگوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رأی صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به رأی صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۳/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۳/۱۷

حجت‌اله تجری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان

"آگهی فقدان سند مالکیت"

نظر به اینکه خانم حمیده فخارورزنه به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک‌باب آپارتمان مسکونی پلاک ۷۹۳۰ فرعی از ۵۷۵۰ فرعی از ۱۴- اصل بخش نه مشهد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است، با بررسی دفتر املاک معلوم شد دو دانگ مشاع از شش‌دانگ ذیل ثبت ۴۶۶۳۸ صفحه ۲۳۵ دفتر ۳۰۳۵ به‌نام خانم حمیده فخار ورزنه ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۹۴۰۶۹۵ سری ج ۹۳ صادر گردیده است. سپس برابر اسناد رهنی ۹۳۴۸ و ۹۳۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۲/۳ دفترخانه ۲۲۶ مشهد در رهن بانک مسکن شعبه امام رضا (ع) مشهد می‌باشد. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد، لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

بشیر پاشایی - ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس - م الف ۶۹۸

"آگهی فقدان سند مالکیت"

نظر به اینکه آقای محمدجواد رضایی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک ۵۳۶ فرعی از ۵۲- اصلی بخش نه مشهد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است، با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شناسه الکترونیک ۱۳۹۹۲۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۴۷۵ ثبت و سند مالکیت به شماره ۹۷۰۴۳۱ ج ۹۸ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد، لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

بشیر پاشایی - ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس - م الف ۶۹۷